

ابتدای هر سال تحصیلی تشکیل می‌شود که البته تنها کار عمده آن تعیین اعضای انجمن و تشخیص مقدار مبلغ به‌ظاهر خودیاری هر خانواده به مدرسه است. در برابر خواهش نامه‌های مدیر مدرسه، پدران که هیچ، مادران به‌ندرت در مدرسه حاضر می‌شوند. آن اندازه رفت‌وآمد والدین نیز، صرف تأمل در امور نمره و امتحان و حجم کتاب و وضع فلان دبیر می‌شود. اوج مشارکت خانه با مدرسه نیز در آسفالت پشت‌بام و رنگ‌آمیزی در و دیوار کلاس‌ها و البته بدون اعمال سلیقه خانواده‌ها خلاصه می‌شود. برای همین، همواره گفته می‌شود که میزان مشارکت و فعالیت والدین در امور مدارس کم و نگران‌کننده است. می‌توان گفت علل عمده این کم‌لطفی چند مورد است:

الف) مدرسه فرصت‌های محدود و گزینش شده‌ای را برای کار مدرسه و درگیر ساختن والدین در آن‌ها فراهم می‌کند. ب) مدرسه معمولاً به ارزش و نتایج حاصل از مشارکت والدین چندان بها نمی‌دهد (گروه پژوهشی، ۱۳۸۲). در این وضع که البته مختص نظام آموزشی متمرکز است، مشارکت والدین به حوزه کلاس درس فرزندان و امور تحصیلی آن‌ها محدود است. آن‌ها در سایر امور مربوط به مدرسه کمتر مورد مشورت قرار می‌گیرند، با آنچه واقعاً در مدرسه می‌گذرد نسبتاً بیگانه‌اند و تنها در مواقع خاصی از سال به مدرسه دعوت می‌شوند.

راهکارهای پیشنهادی

افزایش بهتر و بیشتر رابطه خانه و مدرسه و مشارکت هر دو نهاد در اداره امور آموزشی و پرورشی دانش‌آموز و آموزشگاه چیزی نیست که در فاصله زمانی مشخصی صورت گیرد. به این منظور، تغییر زاویه دید و افزایش فرهنگ تفاهم بین والدین و مربیان نقش عمده و اصلی را دارد. اگرچه بیشتر بار فعالیت در این زمینه بر دوش مدیران مدارس است که در برقراری دوباره این رابطه پیش‌قدم می‌شوند، در اینجا و با توجه به مضمون این نوشتار، چند راهکار مناسب پیشنهاد می‌شود.

- ادارات باید در انتخاب مدیران مدارس تأمل ویژه داشته باشند تا افرادی آموزش‌دیده و برخوردار از مهارت در برقراری ارتباط با مردم، انگیزه بالا، سابقه خدمت زیاد و معتقد به اصل همکاری اولیا و مربیان برای اداره مدارس در نظر گرفته شوند.

- از آنجا که فقر مالی و فرهنگی و کم بودن وقت (به‌علت درگیری با مسائل معیشتی)، از جمله موانع اولیا در برقراری ارتباط با مدرسه است، دولت باید برای ایجاد درآمد متعادل، رسیدگی به نقاط محروم و اعمال سیاست‌های کلان اقتصادی به‌منظور برقراری عدالت اجتماعی، بیش از پیش بکوشد.

- با بازنگری در شیوه‌های جلب اعتماد، همکاری و مشارکت معلمان و دانش‌آموزان برای شناسایی مشکلات، راه‌های حل آن‌ها و اداره جلسات انجمن و پیگیری



علی‌افشاری

مربی تربیتی دبیرستان، سمیرم اصفهان

راهکارهایی در مدیریت ارتباطات خانه و مدرسه

اشاره

یکی از دغدغه‌های مدیران مدرسه فعال‌سازی انجمن اولیا و مربیان است. در واقع بعد از اداره متبوع، خانواده دانش‌آموزان دومین طرف ثابت گفت‌وگو و تعامل آن‌ها هستند. شک نیست که همراه شدن اولیا با مدرسه، نقش چشمگیری در پیشرفت امور تحصیلی و تربیتی آموزشگاه دارد. هر دوی این نهادها، تربیتی‌ترین نهادهای اجتماعی هستند و دانش‌آموز تنها سرمایه و پشتوانه وجودی آن‌هاست. اما چنین به‌نظر می‌رسد که دانش‌آموز به مثابه توپ فوتبالی از سوی هر دو بخش به طرف دیگری پاس داده می‌شود و سیاست تعامل و همکاری اولیا و مربیان با آنکه بسیار تحسین می‌شود، کمتر به عمل درمی‌آید. اولین و آخرین جلسه شلوغ و پرکار این انجمن، در



مقاله علمی-کاربردی



مصوبه‌های آن‌ها، عملاً به رأی و نظر آن‌ها احترام گذاشته شود و اهتمام لازم صورت گیرد.

- تا حد امکان از اصرار بر اهدای کمک‌های مالی مستقیم اولیا به مدرسه کاسته شود و در مقابل تمهیداتی صورت گیرد تا اولیا در ادارهٔ مدرسه و تصمیم‌گیری‌های فرهنگی و اجتماعی آن حضور و نفوذ داشته باشند تا دیگر مدیر مدرسه را تنها عضو همه‌کاره نپندارند. به این منظور، قبل از همه باید از مشارکت والدین فرهنگی استقبال کرد.

- لازم است وزارت متبوع تجربه‌های مدیران و والدین معتقد و موفق در همکاری خانه و مدرسه و نیز گزارش عملکرد انجمن‌های اولیا و مربیان موفق کشور را تدوین کند و در اختیار سایر مدارس قرار دهد تا سایرین به فعالیت بیشتر و بهتر ترغیب و تشویق شوند.

- برای احیای نقش تربیتی پدر، شرایط کاری و فرصت لازم برای دعوت پدران شاغل در نظر گرفته شود. شایسته است که پدران دارای شغل‌های مشابه نظیر رانندگان، کشاورزان و مغازه‌داران شناسایی و به تفکیک هر شغل و با تناسب زمان تعطیلی کاری، در جلسه‌ای جداگانه فراخوانده شوند و با توجه به شرایط خاص محلی و فرهنگی، برنامه‌های ویژه‌ای برایشان تدارک دیده شود (مجدفر، ۱۳۸۲).

- هر از گاهی یک نفر از اولیای کوشا و فعال در همکاری‌های فرهنگی و اجتماعی (به‌غیر از مساعدت‌های مالی) برای تشویق، به سایر اعضا و نیز مدیریت منطقه معرفی شود تا الگویی باشد برای راغب کردن سایر والدین - ولو بی‌بضاعت - به همکاری با انجمن.

- مدیران و معلمان مدارس باید بکوشند به‌جای اینکه آنچه را می‌دانند به والدین بگویند، آنچه را آن‌ها (والدین) بدان نیاز دارند برایشان توضیح دهند. همچنین پسندیده‌تر آن است که هنگام صحبت کردن دربارهٔ مسائل دانش‌آموزان مشکل‌دار با والدین، از شرمسار ساختن و متهم کردن آن‌ها به‌خاطر افت تحصیلی یا تربیتی فرزندشان اکیداً بپرهیزند (سلیم‌زاده، ۱۳۸۲).

- در بحث آموزش خانواده، حساسیت‌های موجود در نظر گرفته شود تا خدای نکرده گفته‌های آن‌ها با طعن و کنایه و تحقیر همراه نشود و خصوصاً جلسات آموزش خانواده بیشتر به نکوهش خانواده تبدیل نشود؛ اگر چه تقویت بنیهٔ مالی و اعتباری برنامهٔ آموزش خانواده باید در اولویت کاری دست‌اندرکاران امر قرار گیرد.

- مدیران و معلمان نباید هنگام ملاقات با والدین دانش‌آموزان را با هم مقایسه کنند. این کار به‌ویژه در جمع، والدین را نسبت به وضعیت تحصیلی فرزندشان ناامید و اعتماد آن‌ها را نسبت به خودشان و مدرسه کم می‌کند.

- مدیران و معلمان در مواجهه با والدینی که بدون دعوت قبلی به مدرسه می‌آیند، باید از پرحرفی و سخنرانی بپرهیزند. در عوض به آن‌ها اجازه دهند که حرف‌ها و

نظراتشان را راحت بگویند و طوری رفتار کنند که والدین احساس کنند اولیای مدرسه حرف‌هایشان را به‌خوبی شنیده و فهمیده‌اند.

- مدرسه باید ترتیبی اتخاذ کند تا والدین دانش‌آموزان یک کلاس با هم به مدرسه دعوت شوند. البته لازم است قبلاً با مشارکت همهٔ دانش‌آموزان، برنامه‌های متنوع و تفریحی آماده و قبل از شروع مذاکرات والدین و معلم برای جمع اجرا شود.

- یکی از دلایل ضعف رابطهٔ اولیا و والدین این است که هر کدامشان به گونهٔ متفاوتی به مسائل مدرسه می‌نگرند. بنابراین، آن‌ها باید طی مرادده و مصاحبه‌هایی با هم، ابتدا به سطح مناسبی از تفاهم و هم‌اندیشی در امور مدرسه برسند و باور کنند که هرگونه تشریک مساعی در این زمینه، قبل از همه به نفع کودکی است که هم فرزند والدین و هم دانش‌آموز معلم است (فرگوسن، ۱۳۸۲).

- پیشنهاد می‌شود که قبل از برپایی برنامهٔ اردو یا گردش دسته‌جمعی، از والدین داوطلب برای همراهی با جمع و کمک در زمینه‌هایی مثل مربیگری، رانندگی یا آشپزی دعوت به همکاری شود.

- شایسته است مدیران مدارس با همفکری معلمان هر کلاس، در پایان هر فصل با ارسال پرسش‌نامه‌ای، نظر والدین را در خصوص عملکرد معلم، مدیر و سایر برنامه‌های انجام شده در مدرسه جویا شوند و البته بازخورد لازم را نیز در برابر پاسخ‌های رسیده ارائه دهند.

- مدیریت مناطق، اخبار و گزارش مربوط به عملکرد انجمن‌های مدارس تابعه را در قالب نشریه‌ای به‌صورت ماه‌نامه یا فصل‌نامه برای اطلاع همهٔ آموزشگاه‌ها منتشر کنند

- در ارتباط نوشتنی با والدین توجه شود که مطالب کوتاه، زیبا و واضح روی کاغذهای مرغوب و رنگی نوشته شوند و به‌صورت جالب و مناسبی به دست خانواده‌ها برسند

- بچه‌ها معمولاً همان احساساتی را به مدرسهٔ خود دارند که والدینشان دارند. لذا والدین باید حتی اگر کم به مدرسه سر می‌زنند، طوری وانمود کنند که مدرسه از نظرشان لذت‌بخش، جالب و امیدوارکننده است. ضمن اینکه القای این حس هیچ ارتباطی به وضعیت مالی والدین هم ندارد (جی‌نیسون، ۱۳۶۶).

منابع

۱. جی‌نیسون، لسی. نقش اولیا در پیروزی تحصیلی فرزندان. ترجمهٔ نعمت کدیور. انجمن اولیا و مربیان. تهران. ۱۳۶۶.
۲. سلیم‌زاده. سه گوشه نشانهٔ تسلط است. رشد معلم. تهران. دورهٔ ۲۲. زمستان ۸۲.
۳. فرگوسن، شری. قدرت والدین. ترجمهٔ ن. پارسا. انجمن اولیا و مربیان. تهران. ۱۳۸۲.
۴. گروه پژوهشی سازمان مدیریت انسانی. «مبانی، چالش و الزامات مدیریت مبتنی بر مدرسه. پژوهشکدهٔ تعلیم و تربیت. تهران. ۱۳۸۲.
۵. مجدفر، مرتضی. «یادداشت‌های مدرسه‌ای پدران و مادران». رشد معلم. تهران. دورهٔ ۲۲. زمستان ۸۲.

